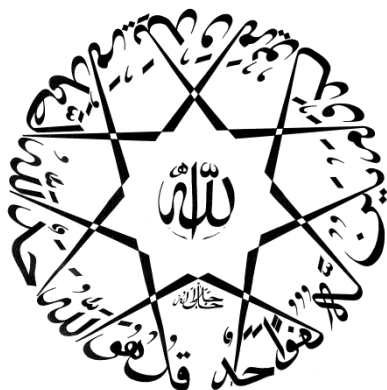
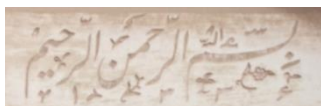




* شبی در میان و خدا مهربان *

شادروان سلطنت بیگم رستمی

مادر مهندس علی بیگ فردوست هم آسمانی شد

بعد از ۸۶ سال عمر پر برکت، این بانوی فرهیخته و آینده‌نگر و دوراندیش و غمخوار فرزند روز هفتم تیر ماه ساعت شش بامداد ۱۴۰۱ در بیمارستان لقمان تهران آسمانی شد که امیدارم کسانی که بر مزار این بانوی فرهیخته می‌گذرند در قطعه ۸۲ بهشت زهرا در تهران با خواندن فاتحه‌ای روحش را شاد کنند چون همیشه به من می‌گفت و تکرار می‌کرد: * برای من و پسرم علی دعا کنید *

تنها فرزند شادروان سلطنت بیگم رستمی، آقا مهندس علی فردوست است که کتاب فراوان دارد و اهل مطالعه است. وی کتاب‌های کمیابی را تاکنون در اختیارم قرار داداند و با هم بارها چه در تهران و چه در قم و حتی در روز مراسم خاکسپاری شادروان امیر بیگ فردوست پدرشان، بعد از ناهار در عزاداری با مهمانان قهوه، نوش جان کردیم و هنوز هم قهوه نوشی ما کماکان در تهران و قم ادامه دارد. این هم عکسی از علی بیگ فردوست که من در روز خاکسپاری شادروان امیر بیگ فردوست گرفته‌ام:



این چند بیت زیبا را من از بوستان سعدی باب نهم انتخاب کردم که در هندوستان بر سنگ مزاری نوشته آمده است. درد نهائی دلِ غمگین سلطنت بیگم رستمی، این مادر درد کشیده و دل سوز، فقط به تنهائی پسرش علی فکر می کرد و همیشه به من می گفت: استاد نمی دانم علی بعد از مرگ من چه خواهد کرد. اکنون این فرزند اهل کتاب با آسمانی شدن مادرش دلش سخت شکسته و تنها مانده است و مرگ مادر جگرش را کباب کرده است. این چند بیت بوستان سعدی نشانگر آن است که نباید به این دنیای دون دل بست زیرا که در این دنیا همه چند روزی مهمان هستند و یکی بعد از دیگری می روند:

دو بیتْ اُم جگر کرد روزی کباب

که می گفت گوینده ای با رُبَاب

دریغا که بی ما بَسی روزگار

پروید گُل و بِشکُفَد نو بهار

بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت

بیاید که ما خاک باشیم و خِشْتُ

پس از ما بسی گُل دَهَد بوستان

نشینند با یک دیگر دوستان

کسانی که از ما به غیب اَنَدَرُنْد

بیایند و بَر خَاکِ ما بُگَذرُنْد

امید است همین چند بیت شعر به همت مهندس علی بیگ
 فردوست بر سنگ مزار شادروان سلطنت بیگم رستمی نوشته
 شود و این هم تاریخ وفات سلطنت بیگم رستمی، مام پریشان،
 غمخوار علی بیگ که به آینده تنها فرزند خود می اندیشید که
 بعد از مرگ مادر علی تنها می شود و چگونه زندگی خواهد کرد
 و چه به سرش خواهد آمد که سر انجام این مادر نیک اندیش
 غمخوار فرزند هفتم تیر ماه ساعت شش بامداد هزار و چهار صد
 و یک از جهان رخت بر بست و آسمانی شد که بگوئیم و تکرار
 کنیم *غمخوار علی مام پریشان صد حیف *

*از سر سر ایام چو هشتاد گذشت *

*شد سوی جنان مام پریشان صد حیف *

*در تیر هزار و چهار صد و یک ز جهان *

*شد سلطنت از جهان ویران صد حیف *

برای همین علی بیگ فردوست، من ده ها اسم تراشیده ام.
 اسم هائی چون علی زر دوست، علی طلا دوست، علی بهادر،
 علی پهلوان، علی پلنگ، علی شیر، علی ببر، علی یوز پلنگ،
 علی کتاب دوست، علی پاک دوست، علی گل دوست، علی
 فرزانه، علی یاور دوست، علی شمشیر دوست، علی قلیچ، علی
 گوهر دوست، علی جوهر دوست، علی کیچگینه، علی سردار،
 علی مهمانواز، علی مهمان دوست، علی بیگم دوست، این

علی‌ها و این علی که بیگم و سلطنت دوست است هرگز مادرش،
سلطنت را تنها نگذاشت و در پیری و دوران افتادگی مادر، همواره
شب و روز در خدمت شادروان سلطنت بیگم مادر مهربانش بود و
روزگار خوشی را در کنار مادرش می‌گذرانید و حالا باید همواره به
درگاه پروردگار مهربان شکرگزاری کند که در دامن چنین مادر
غمخواری پرورش یافته است و این دو شعر زیبا را همواره در طول
زندگی تا پایان عمر زمزمه کند و خدای جهان را ستایش نماید.

نَسیمی وزیده است از آسمان

مَن و گفتگوی خُدا در میان

خُدا و دل و دوستی بین ما

خُدا و مَن و رازهای نِهان

مَـنَم در گِـران و خُـدا بیکِـران

شَـبی در میان و خُـدا مِـهربان

ستایش کنم مَن خُـدایِ جِـهان

هزاران امید از گِـناهِ نِـهان

خُـداوندِ نـام و خُـداوندِ جـان

هَمـو می‌دهد جانِ مـان را اَـمان

خُـدایِ کـلام و خُـدایِ زبـان

شَـبی در میان و خُـدا مِـهربان